

بررسی تطبیقی عناصر زمان و مکان در داستان ها ایمان کاظم
ومرجان شیر محمدی
دراسة مقارنة لعنصري الزمان والمكان في قصتي إيمان كاظم
ومرجان شیر محمدی

*A comparative study of the elements of time and
place in the stories of Iman Kazem and
Marjan Shir Mohammadi*

م. د. محمد جمال الطيف (*)

Dr. mohammed.jamal. Elttayef

mohammed.jamal@uowa.edu.iq

الخلاصة

لقد أصبحت الرواية سيدة الأنواع الأدبية بلا منازع، ولا يتحدد أصل هذا التفوق بتفوقها على الشعر وغيره من الفنون الأدبية بل إن الرواية تحقق هذا التفوق بفضل ما تتميز به من تباعد الخطوط التي تخرج منها. والملابس التي يظهرون بها، فإن الرواية في كثير من المواقف تسرق جهاز الشعر وتغطيه بخصلتين من الشعر، وبذلك تسرق متلقيه ومؤلفيه. استخدم نظريات علم الاجتماع وعلم النفس والأنثروبولوجيا، وعرف وحلل العديد من الشخصيات والأحداث بطريقته الخاصة. كما شربت هذه الرواية من ينبوع التاريخ واعتبرته حقيقة لسرده وأحداثه وتحدثت عنه ما سكت عنه. الرواية هي فن يتحدى كل المحرمات والمحرمات. امتزجت جميع العناصر الفنية وغير الفنية في هذا الفن، ونجد مثالا على هذه التقنيات الأساسية في رواية الزمان والمكان، والتي تتمثل في معظم الفنون الأدبية بقواعدها وتقنياتها وتلاعب الزمن بقانونه الطبيعي. لقد اخترنا روايتين فارسيتين وعربيتين معاصرتين، وهذا ما دفعنا إلى التعمق في هاتين الروايتين ومحاولة معرفة إلى أي مدى يمكن للروايتين العربية والفارسية

(*) جامعة وارث الانبياء عليه السلام- جامعة كربلاء.

أن تشمل تقنيات الزمان والمكان. وعلى أساس أن هاتين الروايتين تتمتعان بعدة مميزات تجعلهما جديرين بالدراسة والتحليل. وبالإضافة إلى استباق أساليب هذا الجيل من الروايات الحديثة، إذ لم نجد أي بحث للروايتين اللتين درسناهما، كل ما توصل إليه بحثنا المتواضع هو ما نشر في رواية آراء وأحكام. بصوت روائي شاب في العصر المعاصر. وقد يتكون هذا البحث من مقدمة وفصلين وخاتمة المبحث الثاني الذي يجمع بين جزء من البعد النظري والبعد العملي. وكما هو الحال في جميع الأبحاث، واجهنا مجموعة من المشكلات، منها: قلة المعرفة لدراسة هذه الروايات، وكذلك قلة البحث في هذا المجال، لأننا أدركنا أن معظم الدراسات ركزت على الروايات الحديثة، دون المعاصرة. وهذا ما يجعل عملنا مع الروايات صعباً إلى حد ما.

الكلمات المفتاحية: مرجان شیر محمدی، ایمان کاظم، الزمان والمكان.

Abstract:

The novel has become the undisputed master of literary genres, and the origin of this superiority is not determined by its superiority over poetry and other verbal arts. Rather, the novel achieves this superiority thanks to what is characterized by the divergence of the lines that emerge from it. And the clothes in which they appear, the novel in many situations steals the device of poetry and covers it with two strands of hair, thus stealing its recipients and authors. He used the theories of sociology, psychology and anthropology and knew and analyzed many characters and events in his own way. This novel also drank from the fountain of history and considered it as a reality for its narrative and events and spoke what was silent about it. A novel is a spoken art that challenges all taboos and taboos. All technical and non-technical elements were mixed in this art, and we find an example of these basic techniques in the novel of time and place, which is represented in most literary arts with the rules and techniques and manipulation of time on its natural law. We chose two contemporary Persian and Arabic novels, and this is what prompted us to delve deeply into these two novels and try to see how far Arabic and Persian novels can include the techniques of time and space. And on

the basis that these two novels have several features that make them worthy of study and analysis. In addition to anticipating the methods of this generation of modern novels, since we found no research for the two novels we studied, all that our modest research came up with was what was published in the novel *Opinions and Judgments*. was played by a young narrative voice in contemporary times. This research may consist of an introduction and two chapters and the conclusion of the second topic, which combines a part of the theoretical dimension and the practical dimension. As with all researches, we encountered a series of problems, including: lack of knowledge to study these novels, as well as lack of research in this field, because we realized that most studies focused on modern novels, without contemporary ones. This is what makes our work with novels somewhat difficult.

Keywords: Marjan Shir Mohammadi, Iman Kazem, time and place.

چکیده

رمان استاد بلامنازع گونه های ادبی شده است و منشأ این برتری را برتری آن بر شعر و سایر هنرهای کلامی تعیین نمی کند. در عوض، رمان این برتری را به لطف آنچه که با و اگرایی خطوطی که از آن برمی آید مشخص می شود، به دست آورد. و لباس هایی که در آن ظاهر می شوند، رمان در بسیاری از موقعیت ها ابزار شعر را می دزدد و آن را با دو تار مو می پوشاند و با این همه گیرندگان و نویسندگان را می دزدید.

او از نظریات جامعه شناسی، روان شناسی و مردم شناسی بهره می برد و بسیاری از شخصیت ها و رویدادها را به شیوه خود می شناخت و تحلیل می کرد. این رمان نیز از چشمه ی تاریخ نوشید و آن را به عنوان یک واقعیت برای روایت و رویدادهای آن در نظر گرفت و آنچه را که در مورد آن ساکت بود به زبان آورد. رمان یک هنر گفتاری است که همه تابوها و تابوها را به چالش می کشد. همه عناصر فنی و غیر فنی در این هنر آمیخته شد و نمونه ای از این فنون پایه گذار رمان زمان و مکان می یابیم که در بیشتر هنرهای ادبی با قواعد و فنون و دستکاری زمان بر قانون طبیعی آن بازنمایی می شود.

ما دو رمان فارسی و عربی معاصر را برگزیدیم و این همان چیزی است که ما را بر آن داشت تا در این دو رمان به عمق بپردازیم و تلاش کنیم رمان های عربی و فارسی تا چه حد می توانند

تکنیک‌های زمان و مکان را در بر گیرند. و بر این اساس که این دو رمان دارای چند ویژگی هستند که آنها را در خور مطالعه و تحلیل قرار داده است. علاوه بر پیش‌بینی روش‌های این نسل از رمان‌های مدرن، از آنجایی که برای دو رمانی که با مطالعه در معرض آن‌ها قرار گرفته بود، تحقیقی نیافتیم، تمام آن چیزی که پژوهش متواضعانه ما به آن رسید همان چیزی بود که در رمان نظرات و قضاوت‌های صادر شده پخش شد. توسط یک صدای روایی جوان در دوران معاصر. این تحقیق ممکن است مشتمل بر یک مقدمه و دو فصل و نتیجه‌گیری مبحث دوم باشد که بخشی از بعد نظری و بعد عملی را با هم ترکیب می‌کند.

مانند همه پژوهش‌ها، با مجموعه‌ای از مشکلات مواجه شدیم، از جمله: کمبود دانش برای مطالعه این رمان‌ها و همچنین کمبود تحقیق در این زمینه، زیرا متوجه شدیم که بیشتر مطالعات بر روی رمان‌های مدرن، بدون معاصر متمرکز شده‌اند. این همان چیزی است که کار ما را با رمان‌ها تا حدودی سخت می‌کند.

کلید واژه‌ها: مرجان شیر محمدی، ایمان کاظم، زمان و مکان.

۱-۱ بیان مسئله:

زمان و مکان فضایی وسیعی است که در آن شخصیت‌ها با یکدیگر در تعامل هستند تا ابعاد مختلفی را در جهت درک پیام رمان شکل دهند. مکان عنصری اساسی در ساختار روایی رمان است، زیرا چارچوبی است که شخصیت‌ها در آن قرار می‌گیرند و طرح داستانی شکل می‌گیرد و مکان به این صورت تعریف می‌شود: محیطی که وقایع رمان در آن پیش می‌رود. این مکان، صرف نظر از شکل و مساحت آن، به توسعه رویدادها کمک می‌کند، بنابراین در رمان مکان‌های بسته و باز را می‌یابیم. زمان بخش مهمی از رمان است، زیرا عنصر اساسی در شکل‌گیری رویدادها و تفسیر برخی ابعاد روان‌شناختی است که نویسنده می‌خواهد از طریق آن ایده خاصی را که می‌خواهد روشن کند.

۲-۱ پرسشهای تحقیق:

۱. این دو نویسنده چگونه زمان و مکان را در متون خود لمس می‌کنند؟

۲. مکاتب اصلی ادبیات تطبیقی چیست؟

۳. انواع مختلف فضا و زمان چیست؟

۳-۱ فرضیه های پژوهش:

محمّدی در بیان زمان ها حالتی تکراری داشت.
کاظم تقریباً در همه داستان ها از تایم لپس استفاده کردم.
هر دو نویسنده زبان ساده و دور از معمول را حفظ کردند.

۴-۱ روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع تحلیلی _ توصیفی است.

۵-۱ اهداف تحقیق:

این پژوهش بر آن است تا نمونه هایی از آثار ایمان کاظم و مرجان شیرمحمدی و چگونگی ارجاع هر یک به عناصر زمان و مکان را مشاهده کند.
هدف آن شناسایی انواع زمان و مکان روایی در متن روایی و بررسی مشهورترین مکاتب در ادبیات تطبیقی است.

۶-۱ پیشینه تحقیق:

در ابتدا، اینها تعدادی از مطالعات قبلی هستند که با ادبیات تطبیقی سروکار داشتند.
- (حول الأدب المقارن عبد الرحمن، بوعلی - ۲۰۱۹).
- (تاریخ الأدب المقارن في إيران نظري منظم، هادی - دراسات في اللغة العربيّة وآدابها، ۲۰۱۰).
در مورد دو نویسنده ما، تحقیق ما اولویت دارد که آنها را مورد مطالعه و تحلیل قرار دهیم، زیرا آنها نویسندگان معاصر هستند که توسط محققان پیش از ما ذکر نشده است.

مبحث اول

۱-۱ تعریف ادبیات تطبیقی

در بررسی تعریف ادبیات تطبیقی برای ادبیات تطبیقی تعاریف متعددی وجود دارد که شایان ذکر است هیچ یک از این تعاریف مشابه تعریف دیگر نیست، زیرا هر مکتب ادبی تعریف خاص خود را از ادبیات تطبیقی ارائه کرده است.
محمد هلال ادبیات تطبیقی را مطالعه می داند مکان های همگرایی بین ادبیات در زبان های مختلف و پیوندهای فراوان آنها مجموعه در حال و گذشته و آنچه این پیوندهای تاریخی دارند تأثیر و تأثیر، هر مظاهر آن تأثیر و تأثیر، چه تماس از نظر خاستگاه هنری یا ماهیت موضوعات و یا اینکه مربوط به تصاویر کشور بوده است متفاوت است همانطور که در رفتار ملل دیگر منعکس شده است، تنها محدودیتی که ادبیات تطبیقی

در مفهوم کلی خود ایجاب می کند این است که زبان هایی که متون در آن صورت بندی می شوند متفاوت باشد. اگر نویسنده یا شاعر مثلاً هر دو را به زبان انگلیسی بنویسد، ادبیات او را صرف نظر از منشأ آن به انگلیسی می شماریم. (هلال، ۱۹۶۳، ص ۹)

هنری ریماک ادبیات تطبیقی می داند، ادبیات تطبیقی عبارت است از مطالعه ادبیات خارج از مرزهای یک کشور خاص و مطالعه روابط بین ادبیات از یک سو با حوزه های دانش و سایر باورها مانند هنر، فلسفه، تاریخ. از سوی دیگر، علوم انسانی، علوم، ادیان و... و به طور خلاصه ادبیات تطبیقی مقایسه ادبیات با ادبیات دیگر و مقایسه ادبیات با سایر حوزه های بیان انسان است. (المناصرة، ص ۲۳)

ویکتور گیرمونسکی بررسی شباهت ها و تفاوت ها به مطالعه تطبیقی اجازه می دهد تا قوانین رشد ادبی را در چارچوب شرایط اجتماعی آن شناسایی کند و در عین حال ویژگی های ادبیات ملی را که موضوع ادبیات تطبیقی هستند شناسایی کند. (جیرومنسکی، ۱۹۹۸ ص ۱۴۰).
ادبیات تطبیقی در نظر پل ون تیگم آن شاخه ای از ادبیات است که به بررسی تأثیر یک ادبیات بر ادبیات دیگر یا تأثیر آن بر آن می پردازد. (عبده عبود، ۱۹۹۹ ص ۶۴).
می توان گفت ادبیات تطبیقی علم مطالعه ادبیات و هنرها به زبان های مختلف و برای ملل مختلف است و ادبیاتی نسبتاً جدید است.

۱- ۲ ادبیات تطبیقی وتاریخیه آن در جهان معاصر

فرانسه اولین خانه مطالعات ادبی تطبیقی است که در آن به دست اساتید بزرگ دانشگاه هایش مانند ون تیگم، فرانسوا گیلار ورنه اتامبل شکوفا شد. مسیر پیدایش ادبیات تطبیقی در قرن هجدهم هموار شد. قرن نوزدهم شاهد تولد آن بود و اولین کسی که این اصطلاح را در سخنرانی های خود آبل فیلمن به کار برد و در کتاب خود که آن را ادبیات تطبیقی نیز نامید در سال ۱۹۲۸ میلادی به این واژه اشاره کرد. ظهور ادبیات تطبیقی در فرانسه به چندین عامل سیاسی و فرهنگی فرانسه برای مدت طولانی علاوه بر اینکه یکی از مهم ترین کشورهای جهان بود، پایتخت فرهنگ اروپا نیز بود. (أبو زید ۲۰۱۷ ص ۱۷-۱۸).

نظراتی که در آن درباره ادبیات تطبیقی وجود داشت در دو جهت پیش می رفت، یکی ترجیح می داد در مرزهای ادبیات فرانسه توقف کند و به ادبیات دیگر توجهی نکند و وجهت دیگر دید که ادبیات بین الملل از قدیم الایام مبتنی بر تأثیر و تأثیر است. (هلال، ۱۹۶۳ ص ۲۶)
ما همچنین به مادام دو استال اشاره می کنیم که او نیز در ارتباطات ادبیات مشارکت داشت. کتاب او که به زبان فرانسه منتشر شد، کمپینی در ارتباط بین ملل و ادبیات بود و او بر اهمیت تبادل فرهنگی بین مردم تأکید کرد و گفت: ملت ها باید توسط یکدیگر هدایت شوند و این یک اشتباه فاحش است. ملت از منبع نوری که می تواند قرض بگیرد دور شود». (أحمد، ص ۲۲).

۱- ۳ مکتبهای ادبیات تطبیقی

در ادبیات تطبیقی از بدو پیدایش تاکنون مکاتب ادبی زیادی وجود داشته است، سه مکتب وجود دارد که می‌توانیم برجسته‌ترین آنها را در حوزه ادبیات تطبیقی بدانیم.

- مکتب فرانسوی
- مکتب امریکایی
- مکتب المانی

۱-۳-۱ مکتب فرانسوی

ادبیات تطبیقی در ابتدا یک پدیده فرانسوی بود، اما به زودی از مسیر خود خارج شد و راه خود را به جهان باز کرد.

(Association internationale de la litterature comparee ص ۱۲) .

این مکتب در اواخر قرن نوزدهم در فرانسه به وجود آمد. مکتب فرانسه قدیمی‌ترین مکتب در زمینه ادبیات تطبیقی است و یکی از امتیازات آن نسبت به سایر مکاتب ادبی این است که عامل تاریخی را لازمه انجام مطالعات تطبیقی می‌داند. (Association internationale de la litterature comparee ص ۱۲)

اینها برخی از خصوصیات و شرایط مکتب فرانسه است:

• دو ادب مورد تطبیق باید حتماً ارتباط تاریخی داشته باشند.

• تأثیر و تأثر باید واقعی و عملی باشد

• زبان حوزه‌های مورد تطبیق باید متفاوت و مختلف باشد.

۱-۳-۲ مکتب امریکایی

آغاز قرن نوزدهم میلادی، گروهی از نویسندگان آمریکایی در صدد شناخت بهتر و بیشتر ادبیات اروپایی برآمدند. اینان سعی داشتند تا پیوندهای بیشتری میان ادبیات آمریکایی و اروپایی بوجود بیاورند. «چارلز گیلی» در سال ۱۸۸۹ میلادی به ارایه درس ادبیات تطبیقی در دانشگاه میشیگان پرداخت. او سپس به دانشگاه کالیفرنیا رفت و در سال ۱۹۱۲ میلادی گروه ادبیات تطبیقی را در این دانشگاه تأسیس نمود. «چارلز گیلی» بیشتر نظریات خود را در مجله «دایال» طرح نموده است. و با کمک این مجله بود که توانست پیشنهاد ایجاد انجمن آمریکایی ادبیات تطبیقی را از ابه دهد. شروع رسمی ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های آمریکا سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۸ بوده است (نیا، ص ۱۰)

مکتب آمریکایی، ما از مرزهای محدود تاریخ‌گرایی و تأثیر و تأثر در ادبیات ملل مختلف پا به عرصه وسیع‌تری می‌گذاریم، لذا ما می‌توانیم ادبیات تطبیقی آمریکایی را نوعی مطالعات فرهنگی

بدانیم که بیشتر به نقد ادبی نزدیک تر است تا به بررسی تاریخی پدیده های ادبی، هم چنین ریماک بر این باور بود که پژوهشگر ادبیات تطبیقی نباید به دنبال شرط تأثیر و تأثر بگردد. در نظر او، حیطه و حدود مقایسه و تطبیق همان حیطه تشخیص زبانی است به پژوهش های علمی ریماک در واقع راهی را گشود که بعدها توسط افرادی چون پوست، الدریچ، پرور، برنهایمر، توتوسی، ساوسی، ونگ نینگ کوشینزه دمروش و دیگران بسط و گسترش یافت. (نیاب، ص ۳۵).

شاید یکی از برجسته ترین رهبران آن رنه ویلیک باشد که نیاز به مطالعه ادبیات تطبیقی را به عنوان یک کل از منظری جهانی و از طریق آگاهی از وحدت تجارب ادبی و فرآیندهای خلاقانه می بیند. ادبیات تطبیقی به روش تاریخی محدود می شود. در حالی که بینش آمریکایی گسترش می یابد تا روش تاریخی و روش انتقادی را به هم پیوند دهد، زیرا آنها از عوامل ضروری در مطالعه تطبیقی هستند. (أبو عسلي، ص ۱، جزء ۷).

۱-۳-۳ مکتب آلمانی

آلمانی ها با وجود گوته در تاریخ ادبیاتشان مفتخرند که بانی طرح ادب جهانی هستند گوته گفته بود که روزی فرا خواهد رسید که ادبیات کشورها فراتر از مرزهای خود، خواهد رفت. آلمانی ها نظر خوانندگان را به موضوعات و میراث فردی جلب کردند و نسبت به خاورمیانه، سعه ی صدر بیشتری نشان دادند. با وجود این اختلافات، چیزی فراتر از مکتب فرانسوی نداشتند و در این اعتقاد که مرکز ادب، اروپا و آمریکاست، با آمریکایی ها هم عقیده بود، ولی در دید آنها مرکز اروپا آلمان بود، نه فرانسه.

مفهوم ادبیات تطبیقی محدود به تحلیل های سه مکتب مذکور نیست حتی مکاتب یا گروه های دیگری نیز وجود دارند که سعی می کنند به مکتبی تبدیل شوند که از زوایای دیگر به ادبیات تطبیقی پرداخته اند که یکی از برجسته ترین این مکاتب است:

- مکتب روسی
- مکتب انگلیسی
- مکتب ایتالیایی

مبحث دوم

۲-۱ مکان:

سبک ها، انواع، و مفاهیم ارزش در کار ادبی این مطالعه متفاوت بوده است. یکی در مورد یک سایه یا یک نوع کنایه یا سایه های متعددی که متن به آن دلالت می کند، بلکه ایده متن و اهمیت آن بود. متنوع با تنوع اهداف و تنوع شاخص های درونی و بیرونی آن مانند عامل محیط و جامعه

و شرایط زندگی در آنها. و کافکاف به عنوان یکی از آن شاخصهای زندگی نویسنده و تولید اوست، چنان که اندیشمندان انواع آن را تقسیم کرده اند. ثواب به ملاحظات و تقسیمات متعددی تقسیم می شود که از نوعی به نوع دیگر متفاوت است و هر کدام برحسب اهمیت و برتری آن.

۲-۲ مکان از نظر بسته بودن و باز بودن:

الف - مکان باز : فضای یک فضای بیرونی است که دارای مرزهای باریک نباشد که فضای وسیعی را تشکیل می دهد. این یک بوم طبیعی برای هوای آزاد است، زیرا از افقی گسترده ای عبور می کند که هدفش باز بودن فکری و روانی است. و همچنین اجتماعی، «این پاداشی است که برای همه باز است، با مرزهای گسترده و باز.» (البنا؛ ۲۰۰۹، ص ۵۳).

ب- مکان بسته: مکانی است که متعلق به یک شخص یا چند نفر است، فرد در دایره های متحدالمرکز مکان ها حرکت می کند و از مکان های بسیار خصوصی تا مکان های عمومی را شامل می شود و مکان بسته دارای دو نوع است. (البنا، ۲۰۰۹ ص ۵۳).

۲-۳ زمان:

زمان مفاهیم زیادی دارد که ما به آنها استناد می کنیم، از جمله: - گسار ژنت آن را می داند: «او می بیند که می توان داستان را بدون مشخص کردن مکان و واقعه گفت، حتی اگر مکانی را که ما در آن می گوئیم عبادت کند، در حالی که آن را بیان می کنیم. غیر ممکن است که زمان آن را نسبت به زمان فعل نقلی مشخص نکنیم زیرا باید آن را هم بگوئیم به زمان گذشته، حال یا آینده و شامل دلیل تعیین زمان روایت مهمتر از تعیین مکان آن است.» (یقطین، ط ۳ ۱۹۹۷ ص ۶۱)

عبدالملک مرتد آن را چنین تعریف می کند: «ظهور و همی در زمان جانداران و موجودات است، پس متأثر از گذشته خیالی، نامرئی، نامحسوس خود است. مکانی در ما. حرکاتی جز این است که نه آن را حس می کنیم، نه می توانیم لمسش کنیم و نه می توانیم ببینیم.» (مرتاض، ط ۱، ص ۱۵۷)

۲-۴ انواع زمان:

زمان عادی: این نشان دهنده نوعی زمان است که در پس مسیر جهان و قوانین آن و همه چیز مربوط به موجودات است. و اشیاء موجود در آن. (أ.أ مندلاو: ۱۹۹۷، ص ۷۷، ۷۶).

زمان روانی: این نوع زمان از خود انسان نشأت می گیرد و هست اولین و آخرین معیار آن. بنابراین می توانیم آن را زمان ذهنی و برعکس عینی و آنچه را که شامل می شود بنامیم در تضاد با زمان واقعی (مرتاض، ص ۱۷۶).

زمان فلسفی: زمان از قدیم الایام توجه فیلسوفان و اندیشمندان را به خود جلب کرده است، زیرا

با زندگی انسان مرتبط است و با آن مرتبط است. ارتباط نزدیک. (علی الحاج، ۲۰۰۸، ص ۵).

۱. ا ماندلاو زمان داستان نویس به زمان درونی و بیرونی تقسیم شده است.

فضای داخلی به سه بخش تقسیم می شود: (ا.أ مندلاو: الزمن والرواية، ص ۱۰۱).

زمان مطالعه زمانی: مدت زمانی است (بر حسب دقیقه و ثانیه) برای خواندن متن راوی از طرف گیرنده.

دوره زمانی کتاب: زمانی است که نویسنده برای نوشتن رمان تعیین شده است.

دوره زمانی موضوع رمان: زمان وقایع داستان است که زمان تخیلی است.

۲-۵ رابطه مکان و زمان در رمان:

رابطه مکان و زمان رابطه ای یکپارچه و همپوشانی است و پرداختن به آن جدا از شمول زمان غیر ممکن است، همانطور که پرداختن به زمان در آن غیر ممکن است. مطالعه ای متمرکز بر یک اثر روایی بدون اینکه مفهوم مکان در هیچ یک از جلوه های آن برمی خیزد. این همپوشانی ناشی از ناتوانی در تفکیک آنها از دیدگاه رویه ای است، زیرا صحبت کردن در مورد یکی از آنها مستلزم صحبت در مورد دیگری است و «اگر مکان در داستان کلاسیک معمولاً بدون فراتر رفتن از آن یا عصیان با رویداد همراه شود. در مقابل، به طوری که به نظر می رسد یکسان هستند، سپس در داستان جدید کاملاً متفاوت به نظر می رسد. از داستان جدید افسانه که اغلب حاوی مکان های تخیلی است که به وضوح نشان می دهد که مفهوم مکان در داستان های این نسل و سوسه انگیز شده است و با داده های دقیق قاب شده توسط ذهن کنترل نمی شود. و واقعیت «و مکان انجام می دهد. (بن سالم، ۲۰۰۱، ص ۹۰)

۲-۶ بیوگرافی ایمان کاظم

یک نویسنده عراقی، متولد ۱۹۸۶، دارای دیپلم زبان انگلیسی و دانشجوی دانشکده ارتباطات جمعی است. و تعدادی فیلمنامه، دو کتاب و تعداد زیادی مقاله دارد. نام کتاب ها او (جذوة نوفمبر، فصول الجوزاء)

۲-۷ بیوگرافی مرجان شیرمحمدی

نویسنده و بازیگر ایرانی متولد ۱۹۷۳ دارای چندین شماره منتشر شده و بازی در تعداد زیادی فیلم و ازدواج با بهروز افخمی است.

در این بخش، به چند مدل عملی زمان و مکان برای رمان (جذوة نوفمبر) و رمان (خانه لهستانی ها) خواهیم پرداخت.

۱-۳ کتاب نخست / جذوة نوفمبر – ایمان کاظم

جذوة نوفمبر/ ظلال الصوت

مکان |

"ذرعت ذلك المكان الف مرة ويزيد في كل مرة كانت النتيجة تسع خطوات طولا وسبع خطوات ونصف عرضا او اقل بمسافة اصبعين! زلزانة معتمة لايمسها الضوء ما خلا بصيصا بعيدا منبثقا من مصباح باهت في نهاية الممر"

نویسنده مکان سلول را مشخص کرده است. این به معنای تعریف رابطه بین شخصیت ها است که ممکن است یک رابطه استبدادی بین زندانی و زندان بان باشد و یک رابطه روانی که در حافظه زندانی می چرخد. همه این روابط تضادها توسط ماهیت مکانی که رویدادها در آن رخ داده اند، در سلول نشان داده شده است.

زمان |

"انا باندورا جئتک من زمن سحيق بعد ان سمعت بقصتك من ضمن ملايين القصص الفتى اسمع عنها لكن امر ما حثني للقدوم اليك"

نویسنده در ابتدای سال ۲۰۰۳ از زمان فیزیکی با شخصیت ها حرکت کرد و به یک زمان روانی عمیق و خیالی رفت، اما جزئیات مکان را در سلول حفظ کرد.

جذوة نوفمبر | فرح خلف ابواب موصده

مکان |

"جالت بنظرها ارجاء الغرفة تفحصت كثيرا من الاشياء وصارت تشمها بشهقة حارقة تم تمددت على حافة السرير ذي الغطاء غير المرتب"

کاظم این مکان را صرفاً فیزیکی مورد خطاب قرار داد تا توضیح دهد که خانه پناهگاه امنی است که فرد را در آغوش می گیرد، مهم نیست چقدر از او دور باشد و چه سختی ها.

زمان |

"ابتسمت الصغيرة وفرشت ثوبها وتربعت على الارض وبدأت تقص على عبير تفاصيل ماحدث ساعه الصورة"

بوقت ادق تفاصيل الساعتين "

کاظم در حالی که آلبوم عکس را در آغوش می گرفت، از زمان فیزیکی به زمان گذشته در خاطره قهرمان می چرخید، جایی که او به ۲۰ سال قبل به زمان عکس گرفتن بازگشت تا تصویر کوچک خود را به عنوان یک موجود متحرک خیالی به او نشان دهد.

جذوة نوفمبر | قاب قلبین او منفی

مکان |

" لم تجد مقعدا فارغا في الحافلة كانت تشعر بالتعب وتحتاج الجلوس ولو لدقائق لكي يستريح جسدها من نهار العمل الذي انتهى بصعوبة "

کاظم با اتوبوس به عنوان فضایی فیزیکی برای سیر وقایع جلسه برنامه ریزی نشده برخورد کرد، زیرا عنصر مکان را در حین انتقال خاطره به گذشته حفظ کرد.

زمان |

" شعرت بالحماس الذي وقع على قلبها قبل سنتين وكان ماعاشته قبل سنوات قد حدث للتو "

زمان در این بخش یک زمان روانشناختی است، یک انتقال زمانی غیر مادی حافظه از محل ملاقات در اتوبوس به زمان خاطرات دو سال پیش.

جذوة نوفمبر /برزخ يوم ماطر

مکان |

" بقي في سيارته عند مدخل المقبرة لحين توقف المطر لأول مرة يرى هذا المشهد المهيّب الذي بدا غير مالوف له فبعد كل هذه الزيارات الاسبوعية طوال السنوات الاربع المنقضية انتابه شعورا مغايرا ان القبور تنبض بشئ من الحياة "

برای ما واضح به نظر می رسد که مکان فیزیکی مورد استفاده برای چرخش رویدادها، که گورستان است، با هاله ای روانی احاطه شده بود که چیزی از هیبت و آرامش را به آن افزود.

زمان |

"حاولت الانعطاف يسارا واستدراك تلك اللحظة اللينة لكن بعد خمسة ايام صحت في العناية المشددة وانا شبه غائب عن الحقيقة "

بازگرداندن خاطره ای از زمان که برای شخصیت ما که رکن اصلی داستان بود مثل زندان بود.

جدوة نوفمبر / مریا صدنة

مکان | " قرر الذهاب لفتح عيادته والاسترخاء قليلا على الاركة ذاتها التي يلقي عليها مرضاه شيء من بوحهم "

مکانی کاملاً فیزیکی، اما عرصه ای برای معکوس کردن نقش بین شخصیت روانپزشک و شخصیت بیمار.

زمان | "ثمة نقطة ما ان نصل اليها حتى يكف عندها الكلام، خرج منفعلا بعد مشادة مع زوجته ومع ان هذا المشهد مألوف ومتكرر تقريبا بشكل يومي لكن يوم الجمعة عطلة عيادته "

کاظم در این داستان از زمان فیزیکی بدون جابجایی روانی استفاده کرده است و این هم مثل بقیه داستان های قبلی است و بر دیالوگی تکیه کرده که بین دکتر و انعکاس تصویر او در آینه ها اتفاق افتاده است.

۲-۳ کتاب دوم - خانه ی لهستانی ها - مرجان شیر محمدی

مکان \ زمان «می گفت - عمارت اول مال لهستانی های مهاجر بوده که سی چهل سال قبل به ایران آمد بودند . می گفت وسط جنگ جهانی دوم، زنها و مردها و بچه های لهستانی که - توی شوروی اسیر شده بودند و برای شورویها بیگاری می کردند، از راه دریو با کشتی وارد بندر پهلوی شدند تا از ایران.»

محمدی در مورد فضایی که اتفاقات رمان ما در آن می چرخد، بر ایمان توضیح می دهد، یعنی خانه لهستانی به عنوان فضایی که توانسته تمام شخصیت ها و احساسات، اتفاقات و نوسانات روانی آنها را در طول رمان در آن جمع کند.

همچنین در این قسمت شاهد اولین زمان فیزیکی هستیم که زمان صحبت از ماجرای ورود لهستانی ها به ایران است.

و اما زمان دیگر، زمان ذکر است که بانو به دهه چهل قرن گذشته بازگشت.

مکان \ زمان «قاسم اقا شوهر همدم خانم توی يك سلمانی کار می کرد و بعضی جمعه ها اگر هوا خوب بود، توی حیاط موهای مردهای خانه و ما بچه ها را کوتاه می کرد ."

حیاط خانه مکانی فیزیکی است که همه مستاجران در آن جمع می شوند و گاهی و گاه برای چنین جمعی برای تراشیدن موهای مردان خانه و بچه ها گفتگو می کنند. این تصویر فضایی می تواند استحکام پیوندها را به ما نشان دهد. بین همسایگان دو دهه پیش.

زمان فیزیکی رویداد حول خاطره شخصیت اصلی ما، سهراب کودک می چرخد و او به ما می گوید که روزهای تعطیل در آن خانه چگونه می گذشت.

مکان | زمان «روز پیش، من را با دلشاد خانم بردند پیش یک دکتر. دلشادخانم وقت گرفته بود. دلشادخانم بیرون توی اتاق انتظار نشست و من و بابام رفتیم پیش دکتر. بابام همهی ماجرا را از اول تعریف کرد، در حالی که من برای خودم آواز می خواندم و خودم را به صندلی می مالیدم. متوجه بودم که چه قدر سعی می کند جلو دکتر گریه نکند» در این قسمت از یک پیام منحصر به فرد به سهراب سه بار را شامل می شود که اولی زمان واقعه است که یک زمان فیزیکی است یعنی یک روز قبل و زمان خواندن پیام که بار دوم است و می باشد. زمان فیزیکی نیز در نظر گرفته شده است. بار سوم روایت وقایع از خاطره سهراب جوان است که زمان روانی محسوب می شود. در مورد مکان، در فضای فیزیکی کلینیک روانپزشکی که فریدا به همراه پدرش به آنجا رفته بود، در حالی که در ازای جاه طلبی ها و رویاهای خود با واقعیت جنون هذیانی خود ورنج خانواده مبارزه می کرد، بازنمایی می شود.

مکان | زمان «نزدیک عید بود. خاله پری و مادام تصمیم گرفته بودند برای تعطیلات به بندر پهلوی بروند. مادام دلتنگ هموطن هاش شده بود و می خواست با هموطن هاش که در قبرستان لهستانی ها بودند، عید دیدنی کند. این هموطن های مادام همانهایی خدا بودند که وقتی با کشتی از شوروی به ایران آمدند تا از ایران رد شوند و به اروپا بروند، خسته تر از آن بودند که سفرشان را ادامه بدهند و وقتی رسیدند به بندر پهلوی یا از زیادی بیماری و خستگی مردند یا توی همان کشتی مرده بودند، یا در بندر پهلوی ماندند و گفتند گور بابای بقیهی سفر و ما توی همین بندر خ می مانیم و آن جا ماندند و بعدن مردند و از آنجایی که ایرانی نبودند و مسلمان هم نبودند و یا جهود بودند یا مسیحی، برایشان قبرستانی دست و پا کردند، بعد از مرگشان آنها را آنجا خاک کردند و آنجا شد قبرستان لهستانی ها. حالا مادام هوس کرده بود در سال جدید به آنها سر بزند و به شان بگوید هنوز به یادشان است و دلتنگشان است و از این حرفها.»

زمان فیزیکی که در آن بانوی لهستانی توانست پس از چهل سال زندگی با آداب و رسوم ایرانیان به آداب و رسوم و سنت های ایرانی عادت کند، همانطور که در روزهای عید مانند ایرانیان شروع به بازدید از قبرستان ها کرد. رسیدن به خشکی، حتی بعد از این همه مدت، اما بانو همچنان برای مردمش حس نوستالژی دارد.

محل قبرستان لهستانی ها در نزدیکی بندر پهلوی است، جایی که اجساد و رویاهای بیش از ۶۰۰ نفر از جنگ به صلح فرار کرده اند.

مکان و زمان «آنا اوچیم تنها بود، نه پدری، نه مادری، نه خاله ای، نه کس و کاری، رفتم طرفش، «سلام، من سهرابم. من هم مثل تو بی کس و کارم.» این را گفتم که بهش دلداری بدهم. و لا او

چیم می‌خوای با همدیگه مرغای دریایی رو تماشا کنیم؟ به آسمون خدا نگاه کن، ببین چه قدر مرغ دریایی اون بالاست.»

فضای این صحنه چیزی نبود جز قبرستانی که بقایای جسد دختر لهستانی را در آغوش گرفته بود که سهراب با دیدن و صحبت با او تصور می‌کرد، شاید سهراب این کودک را تصور می‌کرد زیرا احساس می‌کرد که وقتی در این مکان دفن شد تنها است، همانطور که احساس تنهایی می‌کند. اکنون.

در مورد زمان، زمانی خیالی بود که واقع بینانه نبود، زیرا در ذهن سهراب می‌چرخید و هیچ چیز دیگری نداشت.

خاتمه

و اکنون به پایان بحث در این تحقیق رسیده‌ایم که از طریق آن مشتاق بودیم تا تمامی اطلاعات مربوط به حوزه تحقیق را به صورت مستقیم و غیرمستقیم ارائه دهیم، همانطور که منابعی را که از آن ایده‌ها گرفته شده است ذکر کردیم.

ادبیات تطبیقی و مکاتب آن را ارائه کردیم

در آن به بارزترین ویژگی‌های زمان و مکان و انواع آنها پرداختیم

ما به سراغ مدل‌های منتخب از دو رمان رفتیم و آن متون را تحلیل کردیم

در پایان، ما توصیه می‌کنیم

محقق قبل از شروع به نگارش باید مکاتب ادبی را بررسی کرده و مکتب مناسب را برای تحقیق خود انتخاب کند

محقق باید متون مورد نظر را به دقت و با دقت بررسی کند

بررسی سوابق دو نویسنده مورد مطالعه و توجه به واژگان هر یک از آنها.

المراجع

۱- القرآن الکریم

ب- جذوة نوفمبر - ایمان کاظم

ج- خانه ی لهستانی ها - مرجان شیر محمدی

۱- ابو زید، سامی یوسف، الادب المقارن، المنهج والتطبيق ۲۰۱۷، ص ۱۷ ص ۱۸.

۲- المناصرة، عز الدين، المثاقفة والنقد المقارن، ص ۲۳.

۳- البنا، بان الفواعل السردية في الرواية الاسلامية المعاصرة، عامل الكتب الحديث للنشر والتوزيع، الاردن، دط، ۲۰۰۹، ص ۵۳.

- ٤-أ. أوندلاو: الزمن والرواية، تر: بكر عباس، مراجعة إحسان عباس، دار الشروق عمان، ط١٩٩٧، ١، ص٧٦، ٧٧.
- ٥- المصدر نفسه ص ١٠١
- ٦- أبو عسلي، برهان، محاضرات في الادب المقارن، ص ١، جزء ٧.
- ٧- بن سالم، عبد القادر مكونات السرد في النص القصصي الجزائري الجديد، منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق سوريا، ط٢٠٠١، ص ٩٠
- ٨- جيرومنسكي، التيارات الادبية بوصفها ظاهرة دولية، مجلة الاداب الاجنبية، ترجمة د. غسان مرتضى العدد ٨٣، ١٩٩٨ ص ١٤٠.
- ٩- عبود الادب المقارن -مشكلات وافاق - دراسة، دمشق، اتحاد الكتاب العرب، ١٩٩٩ ص ٦٤.
- ١٠- مرتاض، عبد الملك، في نظرية الرواية، ١٩٧٠، ط ١، ص ١٥٧
- ١١- نيا، محسنی، ادبيات تطبیقی در جهان معاصر ص ٣٥
- ١٢- هلال، محمد غنيمي، الادب المقارن، ١٩٦٣، ص ٩.
- ١٣- هلال، محمد غنيمي، الادب المقارن، ١٩٦٣، ص ٢٦
- ١٤- هيثم على الحاج: الزمن النوعي وإشكاليات النوع السردي، مؤسسة الانتشار العربي، بيروت، لبنان، ط ٢٠٠٨، ١، ص ٥
- ١٥- يقطين، سعيد، تحليل الخطاب الروائي، ط ١٩٩٧، ٣، ص ٦١ .
- ١٦- Association internationale de la litterature comparee ١٢ p